

نقش برجسته ها و مجسمه های هند باستان در هنر بودایی

شهره جوادی*

چکیده

در طی سده ششم پیش از میلاد دو دین بزرگ در هند پدید آمد. آیین بودا^۱ و جین^۲، که تاثیر عمیقی بر فرهنگ و هنر هند از سده ی سوم پیش از میلاد تا سده ی هفتم میلادی داشت. به بیانی این دو فرقه در سیر مذهب هندوئیسم به ظهور رسیدند که به مسئله غامض زندگی هندوان یعنی نجات از قانون کرمه و رهایی از چرخه پیاپی تولد و مرگ (سمسارا)، هر یک با نگاهی متفاوت جداگانه پاسخی اندیشیده و به طرق مختلف سعی کرده اند آن معمای مشکل را حل کنند. آیین بودا بیش از جینیزم بر فرهنگ و هنر هند باستان تاثیر می گذارد و باعث به وجود آمدن آثار شگفت انگیزی از نقش برجسته و مجسمه می گردد. برهمنان هندو، بودا را تجلی نهم ویشنو، یکی از خدایان تثلیث هندو (برهما، ویشنو، شیوا) اعلام می کنند، اما شخص بودا مدعی طرح آیینی جدید بود و بودائیان خود را هندو نمی دانند. بودا در هنر بودایی، حتی در انسانی ترین صورت خود باز نمادی از بودا می باشد و هرگز تجلی یکی از سه خدای هندوان نیست. در هنر هند نمادهای بودا به سه دسته کلی تقسیم می شود: ۱- نمادهای غیرشمایلی مانند: چرخ دارما، نیلوفر آبی، شیر ۲- نمادهای نیمه شمایلی مانند: استوپا، تخت خالی، جای پا ۳- نمادهای شمایلی: مجسمه ها و نقش برجسته های بودا. وجه تمایز بودا با جین و دیگر شخصیت ها در هنرهای هند باستان با توجه به آثار باقی مانده در نقش برجسته ها و مجسمه ها این است که همواره شمایل بودا پوششی بر تن دارد و کاملاً برهنه تصویر نشده است. موضوع هنر بودایی بیشتر اشاره به زندگی و تعالیم بودا دارد.

واژه های کلیدی

نماد، غیرشمایلی، شمایلی، نیمه شمایلی، بودا، چرخ دارما، نیلوفرآبی، شیر، استوپا، تخت خالی، جای پا، نقش برجسته، مجسمه.

* استادیار گروه مطالعات عالی هنر، پردیس هنرهای زیبا؛ دانشگاه تهران

Javadi1336@gmail.com

بررسی و تحلیل هنر هند باستان با شناخت زمینه های تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و اعتقادی مردم آن سرزمین میسر خواهد بود. از این رو به مختصری از سوابق مذکور اشاره می شود.

هنر و تمدن هند با قدمتی ۶۰۰۰ ساله در دره سند و در مناطق بزرگی چون هاراپا (پاکستان کنونی) و موهنجودارو توسط اقوام اولیه ساکن شبه قاره یعنی "دراویدیان" آفریده شده است. اولین آثار هنری در مهرهای به دست آمده از این اقوام دیده می شود. قبل از مهاجرت آریاییان به هند این مردم تجارت و ارتباط با بین النهرین داشته اند که آثار آن در ویرانه های بابل یافت شده است (هنر هند و سومری). حدود هزاره دوم پیش از میلاد هجوم مهاجمان و مهاجران آریایی به شبه قاره باعث تحولاتی در فرهنگ، تمدن و هنر اقوام بومی گردید و به تدریج هنر اعصار ودایی و برهمنی متکی بر متون دینی شکل گرفت. متونی مانند وداها، رزمنامه های حماسی رامایانا و مهابهاراتا و نیز آثاری بدیع، پویا و پرتحرک به صورتی نمادین در قالب نقش برجسته و مجسمه آفریده شد.

در این دوران روابط بین اقوام بیگانه (آریاییها) کم کم موجب اختلاف طبقات شد که سرانجام منجر به نظام کاست گردید و تا امروز بقایای آن در هند باقی است. تأثیرات این نظام طبقاتی به خدایان نیز سرایت یافت به طوری که تثلیث خدایان هندو یعنی برهما، ویشنو و شیوا انعکاسی از طبقات برهمنان، سلحشوران و کشاورزان بود و بقیه مردم در طبقات پست بودند که به شمار نمی آمدند. و باید در چرخه پیپی تولد و مرگ و قانون کرمه از رنج و عذاب دنیا بهره مند شوند. همه این مسائل شرایطی را فراهم آورد تا در طی سده ششم پیش از میلاد دو آیین بزرگ در هند پدید آید. یکی آیین جین به رهبری مهاویره^۳ و دیگری آیین بودا به رهبری گوتاما ساکیا مونی "بودا" بود که تأثیرات عمیق فرهنگی و هنری بر هند باستان از سده سوم پیش از میلاد تا سده ششم و هفتم میلادی داشت. از آنجا که تعالیم بودا نوعی بدعت گذاری عصیان گرانه در دین هندویی بود، لذا برای برهمنان، بودا رقیبی قدرتمند و تهدیدی جدی علیه موجودیت آنها به حساب می آمد که تکذیب و طرد او امر آسانی نبود چون که عامه مردم بودا را با لقب بهگوان یا "خدا" یاد میکردند. بنابراین برهمنان برای حل این معضل بودا را نهمین تجلی ویشنو قرار دادند. که با عامه مردم همنا شوند و با این ترفند که بودا تجلی ویشنو در عصر تباهی و گناه است و در این دوران، خداوند به طرح تعالیم گمراه کننده پرداخته تا از تعالی طبقات پایینی به مراتب والا جلوگیری کند او را کم کم از صحنه خارج کردند. البته این ترفند به مرور زمان نتیجه بخش شد تا جایی که از قرن هفتم میلادی آیین بودا از زادگاهش یعنی سرزمین هند، رخت بریست. قبل از بودا "میترا" یا مهر ایزد بزرگ آریایی که مظهر نور و فروغ خورشید بود در کنار ایزدانی چون سوریا (خدای خورشید هندی) و دیگر خدایان قرار گرفت و به تدریج از مقام و منزلتش کاسته شد تا جایی که در ردیف کمترین خدایان پرستیده می شود. امروز معابد مهری و پرستش مهر بسیار کم رنگ و کم رونق در روستاهای جنوب هند رایج می باشد. و در ایران نیز با ظهور زرتشت مهر و آناهیتا یاران اهورامزدا گشتند و کم کم پرستش آنان و گرامی داشتن آب و گیاه که از مظاهر مهر و آناهیتا بود جای خود را به ستایش اهورا مزدا و نماد آتش مقدس داد. و بدین گونه مهر و بودا در آیینی دیگر دگرذیسی نمودند.

در این مقاله به تاثیر آیین بودا در هنر هند باستان با عنوان "هنر بودایی" پرداخته شده که در نقش برجسته ها و مجسمه ها به ظهور رسیده است. هنر بودایی هنری نمادین بوده که در طی دوران در سه قالب غیر شمایی^۴، نیمه شمایی^۵ و شمایی^۶ بروز نموده است.

نقش برجسته ها و مجسمه های هند باستان در هنر بودایی

"در سیر تاریخ هندوایسم، دو فرقه ی مبدع به ظهور رسید که برای مسئله غامض زندگی هندوان، یعنی نجات از قانون کرمه و رهایی از چرخه تولد و موت پیپی (تناسخ)، هر یک جداگانه پاسخی اندیشیده و به طریقی متفاوت آن معمای مشکل را حل کرده اند. یکی از آن دو، یعنی فرقه جینیزم، فقط در خاک هندوستان پیروان و معتقدان بسیار پیدا کرد و با وجود هر گونه مقاومت و شدت که

علیه آن به کار رفت در جهان باقی ماند، و هم اکنون نیز در آن سرزمین موجود است و پیروانی دارد. مذهب جینیزم، عیناً مانند بودیزم که یک نسل بعد از آن به ظهور رسید هنگامی که ابداع شد در واقع واکنشی بر ضد مبادی و افکار منتشر شده برهمنان بود. موسس و بنیانگذار جینیزم "مهاویره" به معنای "مرد بزرگ" یا "پهلوان بزرگ" است. ولی نام اصلی او "ناتاپوته واردمنه" است. گویند، وی در نزدیکی قصبه وسالی در ایالت بهار در ۳۰ میلی شمال شهر باتتا در ۵۹۹ ق. م متولد و در سال ۵۲۷ ق. م وفات یافت. مهاویره دو عقیده جازم داشت یکی آنکه نجات روح (مکشه) از شرور و آلام بدون عمل رنج و ریاضت شاقه امکان پذیر نیست، دوم آنکه طهارت و تنزیه نفس فقط در پیروی از قاعده ی "اهیمسا" یعنی "نیاززدن هیچ ذی حیات" میسر است و بس. البته این دو عقیده ابداع او نبوده، وی این هردو را تعلیم گرفته بود و صداقت، خلوص و استقامتی که در پیروی این عقیده ابراز داشت بی سابقه و بی نظیر است. از لحاظ مناسک و مراسم، جین ها به فرقه ها و جماعات مختلف تقسیم شده اند، بعضی از ایشان، که به نام "شوتامیره"^۲ موسومند، تا حدی به آزادی قایل شده اند و پوشیدن یک جامه یا پیراهن را جایز می دانند، ولی بعضی دیگر، که در ریاضت متعصب و پایبند به اصول قدیمی اند برآنند که آدم را جز هوا پوششی نیست و چون مهاویره هیچ جامه نپوشید، آنها نیز به تقلید از او سراپا عور و برهنه زندگانی می کنند بعضی از فرقه های جین به هیچ وجه بت نمی پرستند و معبد و پرستشگاه ندارند، همه جا را معبد و دل را معبود می دانند. [ناس، ۱۳۷۳: ص ۱۷۴-۱۶۷]

در شمایل ها و تمثال هایی که از مهاویره درغارهای الوار نقش شده است وی را در وضعیتی برهنه تصویر نموده اند. تندیس های بودا و جین بسیار شبیه به هم هستند و تنها به واسطه برهنه بودن می توان جین را از بودا باز شناخت. "تندیس از جین بدون پوشش بر بدن با شکلی ساده و خلاصه شده، چهره ای آرام و روحانی بر گل نیلوفر آبی ایستاده است؛ در حالیکه ساقه ای از گل نیلوفر آبی از بین دوپای او خارج شده، بالاآمده و در بالای زانو به دو شاخه تقسیم شده و به دور دستانش پیچیده و درطرفین او آویخته اند.



شاخه و برگ های این درخت فضای اطراف مهاویره را منقوش نمود و فضایی بین او و دیگراندامهای انسانی ایجاد نموده است. برشانه های وی نقوشی حلقوی ترسیم شده اند و شکل نیم دایره ای (از گل نیلوفر آبی یا چتر مقدس) در پشت سرش قرار گرفته است. دو شخصیت اصلی دیگر این تصویر "یاکشی" های ایستاده با بدنی برهنه و پوششی منقوش در پایین تنه می باشند؛ گردنهایی بر گردن و موهایی جمع شده در بالای سر با تاجی یا پوششی که قسمتی از آن از سمت چپ شانه آویخته است و دستی بر شاخه های برگ دار دارند. فردی نشسته در حالت چهارزانو با دستبند و گردنبد سه رشته ای و کلاهی بلند بر سردار، نقوش دیگری در قسمت بالای تصویر به صورت کوچکتر در حالت های متنوع دیده می شوند. شاید بتوان اذعان داشت که برهنه بودن شمایل های رهبر جینیزم برگرفته از اعتقاد او باشد که "آدمی را هیچ پوششی، جز هوا نیست" و یا نشانه ریاضت و عاری بودن از تعلقات مادی و دنیوی باشد. (تصویر ۱)

تصویر ۱. جین ایستاده، تصویر از غار شماره ۳۲ از مجموعه غارهای الوار. قرن ۹ میلادی

آیین بودا

تولد بودا: "در مورد تولد بودا قول های متفاوت و مختلفی وجود دارد که حدوداً می توان تولد او را بین سالهای ۶۲۴ تا ۵۶۶ قبل از میلاد در نپال که قبلاً جزء هند بوده و در شهر "کاپیلاواستو"^۳ در شمال بنارس دانست. همچنین بعثت او در "بیهار" در شرق هند بوده است. اما علیرغم تولد، زندگی و بعثت او در هند آیین بودا نتوانست در این سرزمین پهناور باقی بماند و از اواخر قرن هفتم میلادی در هند رو به انحطاط گذاشت و کم کم از بین رفت. "گوتاما بودا"^۴ در یک خانواده بسیار ثروتمند از طبقه کشاتریا از طایفه ساکیا^۱ دیده به جهان گشود. "لفظ بودا از ریشه سانسکریت و پالی اخذ شده و به معنای "آنکه به بیداری رسیده"

است و همچنین با لفظ Buddha به معنای "شعور و ادراک" مرتبط و هم ریشه می باشد. کسی که به مرتبه والای آگاهی و معرفت دست یافته باشد لقب بودا برزنده وی می گردد. گوتاما را در آغاز با لقب بودا نمی خواندند بلکه او را بهگوان^{۱۱} که به معنای پروردگار و نشان احترام بسیار است و یا شاستری^{۱۲} به معنای معلم می گفتند و تنها پس از گذشت زمان بود که نام بودا به عنوان اسم خاص به گوتاما اطلاق گردید. "گاردنر، ۱۳۷۰: ۶۸۳] از علل انحطاط بودیسم در هند نفوذ زیاد پیروان ویشنو، هجوم قبائل سفیدپوست شمال هند در قرن ششم میلادی و استیلای بعضی از فرق اسلامی و از بین بردن معابد آنان بود و تعرضات دیگری که هر یک زمینه های افول این دین بزرگ را فراهم آورد. اما به اعتقاد نگارنده علت اصلی و اساسی که منجر به تضعیف این آیین شد همانا مبارزه بودا با نظام طبقاتی هندوان و منع ریاضت های سخت و افراطی بود که برهمنان و هواداران جین بر آن صحنه می گذاشتند. هندوان برای کم رنگ کردن آیین بودا به صورت مبارزه غیرمستقیم سعی کردند این آیین را در هندوایسم ادغام کنند. به طوری که بودا نهمین تجلی ویشنو قلمداد شد و به عبارتی دیگر او را اولین تجلی عصر گناه و فساد و تباهی دانستند که خداوند به تعالیم گمراه کننده پرداخته تا از نیل طبقات پایین و زیردست به طبقات والا جلوگیری کند. از این رو نظام طبقاتی کاست در آیین هندو را تثبیت نموده و با تفکر بودا به مبارزه برخاستند. از دیگر سو با عقیده انقلابی بودا مبنی بر نکوهش ریاضت های طاقت فرسا و یکسره رها کردن دنیای مادی مخالفت ورزیدند. از آنجا که بودا در سومین دوره زندگی خویش بر این عقیده شد که تعادل میان جهان مادی و معنوی تنها راه رستگاری می باشد و اعلام کرد که عبادت و ریاضت صرف مسیر انحرافی بوده و سالک را از درک حقیقت باز می دارد؛ ضربه ای دیگر بر پیکر هندوایسم وارد ساخت که روحانیون هندو را بر آن داشت تا اساس و ریشه این آیین را با خرافات در هم آمیخته و زیرکانه تدبیری اندیشیدند که "بودا" تجلی "ویشنو" در عصر فساد و تباهی است. و از این رو توانستند به تدریج این آیین را در دل هندوایسم جای داده و مستحیل گردانند. سرانجام بودا از زادگاه خویش رخت برپست و به دیگر سرزمینها رفت.

«حدود قرن سوم قبل از میلاد امپراطور "آشوکا" بزرگترین شاه هند آیین بودا را ترویج کرد و پس از مدتی مبلغانی به سیلان، برمه، تایلند و کامبوج فرستاد و فرقه اولیه بوداییان یعنی "هینیانا"^{۱۳} شکل گرفت. بعد از آشوکا تا ۸۰۰ سال دین بودا با وجود مخالفت های بسیار در سراسر هند انتشار یافت. اما مرکز این آیین پس از مخالفت های شدید به غرب هند منتقل شد و صورتهای تازه به خود گرفت و با تغییر و تحولاتی در سراسر آسیا تا اقصی نقاط ژاپن رسید. و بالاخره مکتب جدید بودا یعنی "ماهایانا"^{۱۴} در شمال غربی هند شکل گرفت.» [برگرفته از ناس، ۱۳۷۲: ۲۰۷-۲۱۷]

در نقش برجسته تولد بودا هفت شخصیت انسانی به طور کامل از چهار زن و سه مرد نقش شده است که ملکه "مایا" در وسط آنها مشخص تر و کمی بزرگتر می باشد. اندام زنان بطور کامل پوشیده و مردان که در سمت راست ملکه قرار دارند از پایین تنه، پوششی با چین های منظم و مرتب دارند. اندام ها کوتاه و عریض هستند و با خطوطی نرم، منحنی و موج ترسیم شده اند. که پویایی و حرکت را تداعی می کنند. هر یک از اندام های انسانی حالت ویژه خود را دارند. تزییناتی بر سر، گوشواره هایی در گوش، گردنبند و حلقه هایی در دست و بازو دارند.



همه اندام ها به صورت روبر ایستاده اند بجز بانویی که در سمت چپ ملکه مایا ایستاده و با دستش کمر او را گرفته که این بانو به صورت سه رخ نمایش داده شده و از کمر به پایین گردشی در اندام دارد یعنی پاهای او نیمرخ نمایانده شده اند و بر میج پاهایش دو حلقه نقش شده است مانند ملکه مایا و بقیه اندام ها بر میج پا یک حلقه دارند. از وسط کادر یعنی ملکه مایا (در راس آن) به طرفین اندام ها کوتاهتر شده اند و حالت یک مثلث را نشان می دهند. در وسط کادر درختی بر بالای سر ملکه قرار دارد که او با دست

تصویر ۲. تولد بودا: بخشی از یک نقش برجسته سنگی عهد کوشان، قرن دوم میلادی. گالری هنری فریر. واشنگتن دی سی.

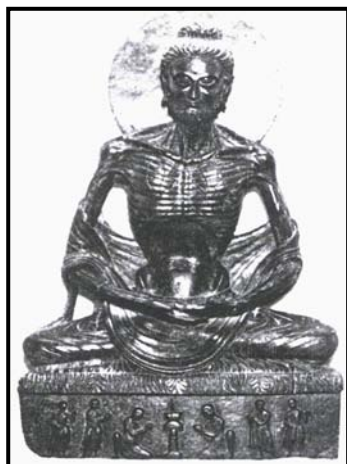
راستش شاخه ایی از آن را گرفته است. دو درخت به صورت قرینه ولی با شاخه و برگهایی در حالات متفاوت در طرفین قرار دارد. این تصویر تولد فیزیکی بودا را به صورتی غیر معمول نشان می دهد به طوری که از ابتدای تولد وی را فردی خاص و متفاوت از دیگران معرفی می کند که شخصیتی برجسته و قابل احترام برای آینده او پیش بینی شده است. صحنه تولد بودا درحالی که مادرش ملکه مایا در زیر درخت سال^{۱۵} ایستاده و دست بر شاخه درخت مقدس گرفته و بودا را به دنیا می آورد در پرده ای از نقاشی یکی از غارهای آجانتا نیز تصویر شده است. (تصویر ۲)

از آنجا که طالع بینان به پدر گوتاما هنگام تولد او گفته بودند که فرزندش در جوانی از خانه فرار خواهد کرد و راهبی بیابانگرد و بی خانمان خواهد شد ولی اگر او را به درستی مراقبت کنند، هر آینه پادشاه هند خواهد گردید؛ پس پدر از همان لحظه برآن شد تا وسایل آسایش و سعادت فرزند را فراهم سازد و او را از مشاهده اوضاع غم انگیز عمر که به کهولت و بیماری و مرگ می انجامد و باعث توجه نفس به مبادی دینی است منع کند.

"گوتاما در سن ۱۹ سالگی با یکی از شاهزاده خانم های استان مجاور وصلت کرد و پس از چند سال زندگی خوش و مرفه از وی دارای پسری به نام راهول گردید. در سن ۲۹ سالگی تحولی در زندگی گوتاما رخ داد که نه تنها سرنوشت او را دگرگون کرد بلکه به عنوان انقلابی عظیم در تاریخ ادیان جهان ثبت گردید. روزی برای تفریح و تفرج بر ارابه ای نشست و در باغ روح افزای قصر به گردش پرداخت در راه از دیدن چهار منظره: پیرمردی شکسته، مریضی درمانده، یک جنازه و زاهدی آرام چنان متأثر و متحول شد که مابقی عمر خود را تحت تاثیر آن مناظر به سیر و سلوک پرداخت. این مناظر او را در فکر فرو برد و اندیشید که تمام افراد بشر از جمله خود او روزی به این بلاها دچار خواهد شد. وقتی به قصر بازگشت حال دیگری داشت حالی که پدرش از درک آن عاجز بود و او را بسیار نگران حال فرزند می کرد. او به هیچ چیز نمی اندیشید مگر بیماری، پیری و مرگ. دیگر جمال و جلال زندگی درباری در دیدگاهش بی ارزش می نمودند. او مصمم شده بود که از این ظواهر عبور نماید و به عین حقیقت دست یابد. مهم ترین مشکل او مسئله عمیق و گسترده رنج و عذاب دنیا بود. او که یک هندو بود و در دامن فرهنگ فلسفی او پانیشادی رشد کرده بود، در جست و جوی راه حل به روش اندیشه فلسفی هندویی متوسل شد، ولی نتوانست خود را از منجلابی که در آن گرفتار بود رها سازد؛ پس به روش ریاضت جسمانی روی آورد. شش سال به خوردن اندکی غذا که در نهایت به یکدانه برنج و یا یک کنجد رسیده بود بسنده کرد. از خلق گریزان شد، زبان در کام کشیده بود و به نیروی اراده افکار را هدایت می کرد و امیال را از دل می راند. مدتی به همین منوال گذشت. او بر نفس خویش مسلط شده بود ولی آن نوری که او انتظارش را می کشید هنوز قلبش را منور نکرده بود. روزی در ساحل رودی به مراقبه نشسته بود. قایقرانی سوار بر بلم خویش، نرم و آرام، بر آبهای رود می راند و با خود آوازی زمزمه می کرد که مضمونش چنین بود: "اگر رودخانه را محدود کنی طغیان می کند و اگر رهایش کنی هرز می رود" این الفاظ ساده و پر معنی در او موثر افتاد. دانست که ریاضت و نفس کشی اغراق آمیز هم خود حجابی است که حقیقت را از نظرش پنهان می دارد و راه فلاح با میانه روی ممکن می شود. پس راه ور سم مرتاضی به کناری نهاد و خوراک را به متعارف بازگرداند تا جسم نزارش که در اثر ریاضت مدام رنجور و شکسته شده بود؛ قوای از دست رفته را بازیابد." [برگرفته از ذکرگو، ۱۳۷۷ و ناس، ۱۳۷۰]

شمایل نشسته از بودای ریاضت کش او را با بدنی اغراق شده می نماید و اسکلتی که تنها بافت نازکی از پوست بر استخوان ها دارد؛ به حالت یوگا بر نیلوفر آبی نشسته و بر بازو ها و پاها پوششی دارد که با خطوط منحنی و نرم نقش شده است. صورت استخوانی با چشمانی بسته و چهره ایی آرام با گوشههایی بلند و کشیده و موها به صورت خطوطی مواج و دو تکه در بالا جمع شده است. پشت سرش حلقه (هاله) مقدس قرار گرفته است. بر پایه تخت او (گل نیلوفر) شش زاهد به صورت ساده نقش شده اند که در حال عبادت و در طرفین یک شیوا لینگام^{۱۶} با گل نیلوفر روی آن، ایستاده اند.

این شمایل که با عنوان بودای روزه گیر نیز معرفی شده است شاید اشاره به بوداست که در جستجوی حقیقت شش سال روزه گرفت و امساک غذا را به حدی رساند که روزانه به یک دانه برنج و حتی یک ارزن اکتفا می نمود. شبی در زیر سایه درخت گامبو^{۱۷} که آن را درخت انجیر نیز ذکر کرده اند، نشسته و به مراقبه مشغول بود؛ در حالت خلسه هنگامی که از تسلط حواس پنجگانه رهایی یافته

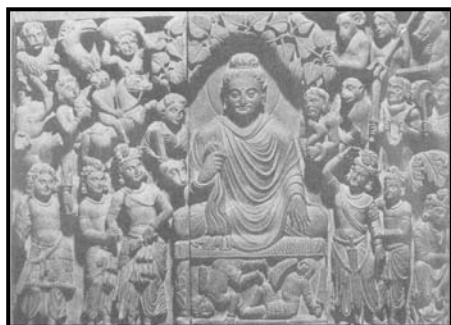


بود نور قلبش بر کلبه تاریک وجودش تابید و به اولین مرتبه اشراق و تنویر مشرف گردید. شعفی در دل خویش حس کرد، گویی به علت اصلی رنج و غم جهان دست بافته بود. گوتاما در پای درخت انجیر هفت شبانه روز چهارزانو نشست و در خود غوطه ور شد. او منور شده بود و در پرتو وجود تابناک خویش حقیقت عالم را در یافته بود. وی از دور تسلسل "سمسارا"^{۱۸} که همه رنج و درد بود خارج شد و دریچه جهان جاوید بر او گشوده گشت. (تصویر ۳)

تصویر ۳. بودای ریاضت کش، شمایل سنگی، بلندی ۸۵ سانتی متر، عهد کوشان، از گاندهارا (قندهار)، قرن دوم و سوم میلادی، موزه لاهور، پاکستان.

تصویری دیگر بودا را در مرحله اشراق یا روشن شدگی نشان می دهد. تمثال بودا با هاله ای در پشت سر و با چهره ای آرام و رها از مصائب دنیا به صورت چهار زانو نشسته بر کرسی، در وسط کادر بزرگتر از بقیه نقوش تراشیده شده است. در وسط دو ابرو، یک خال و موهای جمع شده بر بالای سرش با خطوطی مواج حک شده است. چین های منظم و متعدد، پوشش لطیف او را نمایش می دهد. اطراف او پر از نقوش اعم از انسان، خدایان و اهریمنان است که هر یک از آنها با چهره هایی از حالت تعجب، تبسم و خشم نشان داده شده اند.

این اندام به صورت کوتاه و پهن با موهایی موجدار و نقوشی از چین لباس بر تن آنها تراشیده شده اند. نقوش حیوانی مانند اسب، فیل و شتر نیز لابه لای آنها کار شده است. نقوش گیاهی به ویژه در بالای سر بودا دیده می شود. در زیر پای بودا و بر دیواره تخت او دو شخصیت یکی واژگون و دیگری در حالت استراحت دیده می شوند. دو گروه خیر و شر یعنی خدایان و اهریمنان که به صورت غالب و مغلوب هستند تصویر شده اند. (تصویر ۴)



تصویر ۴. موعظه بودا: بخشی از نقش برجسته سنگی. عهد کوشان، سبک گاندهارا (قندهار)، قرن دوم میلادی، گالری هنری فریر، واشینگتن، دی. سی. امریکا.

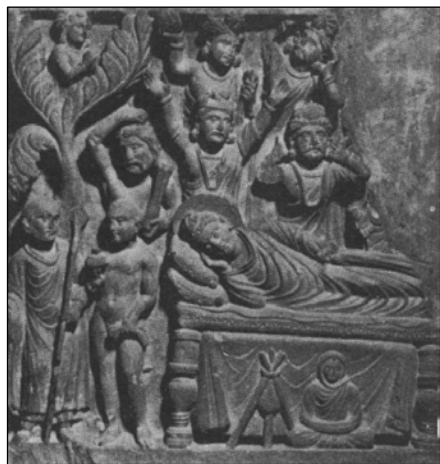
پنج تن از برهمنانی که قبل از دوره ریاضت با بودا بودند و بعد او را ترک کرده بودند، در محلی نزدیک بنارس به نام باغ غزالان بار دیگر به او برخوردند. از آنجا که بودا از عالم وحدت و تجرد بیرون آمده و برای نشر و تبلیغ حقیقت بار دیگر از خلوت به جلوت برگشته و به بیان حقایق باز آمده بود. از مبادی و تعلیمات خود با آنها سخن گفت و در اثبات طریقه خود بیاناتی ایراد فرمود که در آداب و آثار بودایی به وعظ باغ غزالان معروف است. مرد سالک و طالب حقیقت از این دو سرحد "افراط و تفریط" باید اجتناب کند و نقطه وسط را که عدالت حقیقی است به دست بیاورد. [ناس، ۱۳۷۰: ۱۸۶]

آیینی که بودا به جهانیان عرضه کرد انقلابی در سیستم اجتماعی، اقتصادی و سیاسی هند بود؛ چون با ارائه راه میانه و اعتدال دو مذهب و مسلک بزرگ در جامعه هند را زیر سوال برد و در عمل آنها را رد کرد و همینطور به پایه و اساس آیین هندو یعنی کاست و سیستم طبقاتی لطمه وارد نمود زیرا در آیین بودا فرد از هر قشر و طبقه ای میتواند به جایگاه رفیع اشراق یعنی نیروانا^{۱۹} نایل گردد.

بودا پس از نیل به اشراق، به تبلیغ یافته های خود پرداخت. تعالیم او عمدتاً اخلاقی بود. شیوه گام به گام و سیر منازل و سلوک در آن عبارتند از: ۱. دیدگاه صحیح، ۲. پندار صحیح، ۳. گفتار صحیح، ۴. کردار صحیح، ۵. معاش صحیح، ۶. کوشش صحیح، ۷. توجه صحیح، ۸. مراقبات صحیح.

بودا از طریق شرح و بیان اصول عقاید، روایات، کنایات و کلمات قصار در اذهان و افکار نفوذ کرد. ولی این سنت هندویی که پیام و تعالیم و کلام مقدس باید به زبان سانسکریت که زبان خواص و علمای دین است ارائه شود را زیر پا گذاشت و تعالیم خود را از طریق استعاره و مجاز به زبان توده مردم ابراز نمود. بودا در سن هشتاد سالگی به بیماری سختی دچار شد و هنگامی که در میان باران و طرفدارانش آرامیده بود به نیروانا پیوست. [ذکرگو، ۱۳۷۷: ۱۳۳ و ۱۳۷] (تصویر ۴)

در سنگ برجسته مرگ بودا صحنه ای است که بودا را بر تخت نشان می دهد که به پهلو آرمیده و یک دست را زیر سر نهاده و با



چهره ای آرام، گوش کشیده، موهای موج جمع شده بر بالای سرو هاله ای برگرد آن در حالی که تن پوش او با چین هایی مرتب و منظم سراسر بدن او را پوشانده است. درختی با سه برگ بزرگ در میان باران او که پشت تخت ایستاده اند دیده می شود. بین دو برگ درخت نیم تنه فردی از نیمرخ نمایان است. در اطراف بودا شاگردان و مریدان او هر یک با حالتی خاص بعضی با فریاد و فغان و برخی با بهت و حیرت در ماتم از دست دادن استاد می باشند. تخت او با نقوش هندسی تزیین شده و در زیر تخت فردی با حالت یوگا با چهره ای آرام و پوششی با چین های منظم که سراسر بدنش را پوشانیده نشسته است. و در کنار او شکل بهم پیوسته سه قطعه چوب و یک غنچه نیلوفر آبی نقش شده است. این فرد شاید روح بوداست که به نیروانا پیوسته و یا حالت ماتمی عرفانی را می رساند. (تصویر ۵)

تصویر ۵. بودای آرمیده، بخشی از یک نقش برجسته سنگی عهد کوشان، سبک گاندھارا (قندهار) قرن دوم میلادی.

تعالیم بودا

"بودا" یعنی کسی که به بیداری رسیده است. بوداهای زیادی ظهور کردند که تنها یکی از آنها به نیروانا رسید و رسالت یافت و به تبلیغ پرداخت. بودا خدایان هندی را منکر شد و آنان را موجودات زمینی شمرد بنابراین اعمال و مناسک دینی هندوان از جمله قربانی را عملی بیپهوده شمرد. نظام طبقاتی را قبول نداشت و موروثی بودن طبقه برهمن را رد کرد و معتقد بود تنها اخلاق است که انسان را به رستگاری می رساند. بودا به عنوان یک مصلح دینی و پیامبری با شعار عدالت و برابری ظهور کرد. گوتاما تعالیم خود را با دو شعار مهم مبارزه با نظام کاست و نفی ریاضت کشی صرف آغاز کرد. از آنجا که بودا رقیبی جدی برای برهمنان محسوب می شد و قدرت و موجودیت ایشان را زیر سوال می برد و ضمناً تکذیب و طرد او آسان نبود، همچنین بودا با خدایان محبوبی چون رام و کریشنا برابری می کرد و مردم او را با لقب "بهگوان" یعنی خدا یاد می کردند؛ موجب گرایش بسیاری از اقشار پست جامعه به وی گردید. اما به تدریج برهمنان با دسیسه چینی و تدبیر مردم را فریفتند و بودا را اولین تجلی عصر تباهی و فساد قلمداد کرده و به خصوص طبقات مرفه و متوسط را بر آن داشتند تا از پذیرش عدالت اجتماعی و انسانی در جامعه سرباز زنند.

هنر بودایی

هنر نقش برجسته و پیکره سازی در هند دیرزمانی قبل از آنکه نفوذ هنر یونانی مآب به آن کشور برسد، شکوفایی یافته بود ولی این هنر در منطقه قندهار وجود داشت که پیکره‌های بودا برای نخستین بار به صورت نقش برجسته تصویر شد. در نقش برجسته ای از قرن دوم میلادی گوتاما بودا در حال ترک منزلگاه خود دیده میشود در حالیکه خدایان دستها را زیر سم اسب (کانتالا) او گرفته اند که صدایی برنخیزد و شیهه او را خاموش کرده اند. (تصویر ۶) از قرن چهارم قبل از میلاد تا قرن اول میلادی شیوه متأثر از هخامنشی رایج بود اما پس از حمله اسکندر به هند حدود سه قرن طول کشید تا تاثیر هنر یونانی آشکار شد. و سبک یونانی بودایی مدتی دوام داشت. در هنر بودایی روایتگری از زندگی و تعالیم بودا مرسوم بوده است. قبل از آنکه تصویرگری روایی در هنر پیکرسازی و نقش برجسته های بودایی شکل بگیرد برای تجسم و تقدیس بودا از نمادهای غیرشماییلی و نیمه شماییلی استفاده می شد.



تصویر ۶ گوتاما در حال ترک منزلگاه خود. خدایان دستها را زیر سم اسب (گانتاکا) گرفته اند که صدایی برنخیزد و شیهه او را خاموش کرده اند. قرن دوم میلادی

نمادهای غیر شماییلی: منظور از نمادهایی غیر شماییلی نمادهایی است که به طور انتزاعی به معبود اشاره دارند که مهمترین آنها در هنر بودایی عبارتند از: چرخ دارما، گل نیلوفر و شیر.

چرخ دارما

در این تصویر چرخ دارما از سه قسمت اصلی چرخ، دسته و پایه تشکیل شده است. چرخ یا گردونه با یک دایره کوچک به عنوان نقطه مرکزی با شعاع‌های ۱۶ گانه خطی به حلقه میانی و آن هم به دسته چرخ که دایره یا گردونه را به پایه ای متصل می کند. دسته چرخ به شکل اژدهایی است که پای یک الهه را در دهان دارد. این اژدها به صورت قرینه در طرفین قرار گرفته در حالیکه نقوشی بر بدن آن حک شده است و یک گل نیلوفر آبی هفت پر در بین آنهاست. (تصویر ۷)



تصویر ۷. نماد چرخ- معبد سوریا (surya)، واقع در کونارک (konarak)، هند مورخ ۱۲۴۰ میلادی، سنگ

گل نیلوفر آبی^{۲۰}

دومین نماد غیر شماییلی بوده است. این گل نزد اغلب ادیان هندی مقدس شمرده می شود و به عنوان نمادی از وجهه تجلی جهان هستی، در هنرهای دینی مورد استفاده ی وسیع است. همسر ویشنو لکشمی^{۲۱} که یکی از الهه های قدیم هند است در ابتدا سمبل



قدرت و سلطنت بود و گل نیلوفر را به او منتسب می دانستند ولی با ظهور بودا و شمایل های آن همه جا او را بر گل نیلوفری قراردادند و این گل تخت بودا و یا به نوعی نمادی از او محسوب می شود. گلبرگ های متعدد گل نیلوفر معرف لایه های مختلف هستی و ادوار بی پایان تاریخ هستند که یکی پس از دیگری ظهور می کنند. این گل در سنت هندویی به عنوان کرسی مقدس بودا نهمین تجلی ویشنو است و لذا مقام الوهیت دارد و در بسیاری از شمایل هایش در حالی که روی یک گل نیلوفر نشسته تصویر شده است. (تصویر ۸)

تصویر ۸. لکشمی و گل های نیلوفر. نقش برجسته سنگی از گل های مقدس نیلوفرای و غنچه های آن، قرن دوم پیش از میلاد بهارهوت

شیر

از مهمترین نمادهای بودایی است که در قرن سوم قبل از میلاد، در هنگام حکومت امپراتور آشوکا^{۲۲}، رواج یافت او ستون های یادبود بسیاری در محل های مهم زندگی بودا بنا کرد. معروف ترین سرستونی که از عهد آشوکا به جامانده، سرستون سرنات^{۲۳} است. در این سرستون دو نماد "چرخ دارماو شیر" همراه با هم دیده می شوند. [ذکرگو، ۱۳۷۸ : ۱۱]



این سرستون بر روی یک صفحه مدور افقی است که از چهار حیوان و چهار چرخ یک در میان تشکیل شده است. بر صفحه افقی مزبور چهار شیر پشت به یکدیگر نشسته اند و در اصل یک چرخ گردونه بزرگ نیز بالای سرشان بوده است. در این جا تمام شکل ها نمادین هستند. خود چرخ که احتمالاً از نمادهای باستانی خورشید گرفته شده است، چهار جانور به نشانه چهار ربع دایره که چرخ به آن اشاره دارد؛ یک مفهوم کیهان شناختی دارند. که ستون در آنجا نماد محور جهان به شمار می رود. شیرها نیز معانی چندگانه ای داشتند که در اینجا با ساکیامونی بودا که به شیر طایفه ساکیا معروف بود برابر پنداشته شده اند. شیوه حجاری شیرهای این سرستون به ویژه یالها و نوع حجاری پنجه های سترک آنها شباهت و تاثیر پذیری عمیق آن را از آثار هخامنشی نشان می دهد. جانوران نیم برجسته دورتادور صفحه زیرپای شیران به سبک قدیمی موهنجودارو کنده کاری شده اند.

تصویر ۹. سرستون آشوکا، ماسه سنگ چنار، بلندی ۲۱۱۵ سانتی متر. عهد موریایی ۲۵۰ ق. م موزه باستانشناسی سارنات

[گاردنر، ۱۳۷۹ : ۶۷۴] (تصویر ۹)

نمادهای نیمه شمایی بودایی : نمادهایی است که ظاهر شمایی (تصویر یا مثالی از ایزد که مورد نیایش قرار می گیرد) ندارد اما اشاره ی مستقیم به معبود در قالب فیزیکی و مادی دارند و نمادهای غیر شمایی شامل نمادهایی می شدند که به طور انتزاعی به معبود اشاره داشتند. چرخ لوتوس و حتی شیر نمادهایی هستند که به صفات "نظافت"، "خلقت" و "قدرت" خداوندی اشاره داشتند. این مفاهیم به قدری انتزاعی هستند که می توان آنها را به دیگر ادیان و تلقی دیگر فرهنگ ها از خداوند که همه صفات فوق را داراست، تسری داد. در نمادهای نیمه شمایی کماکان با غیبت مستقیم معبود روبه رو هستیم و معرفی معبود همچنان از طریق

اشارات است، اما در نوع اخیر با اشارات واضح به شخصیت و هویت خاصی رو به رو هستیم که ناخودآگاه یک نظام مشخص دینی را تداعی می کند. نمادهای بارز نیمه شمایی در هنر بودایی عبارتند از : استوپا^{۲۴}، تخت خالی و جای پا.

استوپا



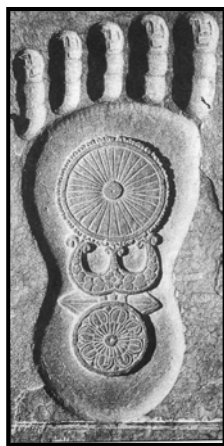
استوپاها بناهای نیمکره‌ی شکل و توپری هستند که نخستین و ابتدایی‌ترین معابد بودایی محسوب می‌شوند. اولین استوپاها پس از مرگ بودا و سوزاندن این مصلح بزرگ شرق بنا گردیدند. مطابق سنت دینی هندوان، جسم بودا سوزانده و خاکستر او به هشت قسمت تقسیم شد و هر بخش در مرکز یک استوپا مدفون شد. (تصویر ۱۰) در این تصویر نمایی کلی از استوپای بزرگ سانچی، در استان راجستان هند دیده می‌شود که استوپای گنبدی شکل در مرکز و چهار دروازه‌ی پر از نقش و نگار در اطراف آن دیده می‌شود. پایان ساختمان آن در سده نخست قبل از میلاد است.

تصویر ۱۰. استوپای سانچی، سده اول قبل از میلاد

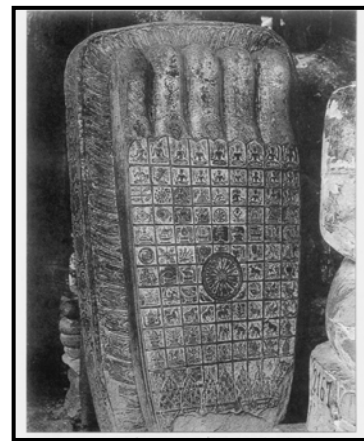
جای پا

سومین نماد نیمه شمالی بوداست که مستقیماً به شخصیت تاریخی مذهبی او اشاره دارد. جای پا نزدیک‌ترین نماد به شمایل است. یکی از این نمادها یک جفت جای پای بودا، از جنس سنگ است، که با خطوط صیقلی، مدور و نرم در سطحی دایره‌ای شکل که در واقع گل نیلوفری می‌باشد که گلبرگ‌های آن در اطراف نقش شده‌اند دیده می‌شوند. (تصویر ۱۱)

و دیگری جای پای بودا، سنگ برجسته‌ای مزین به ورق طلا و نقش و نگارهای مختلف می‌باشد. (تصویر ۱۲)



تصویر ۱۱. جای پای بودا، از منطقه بودگایا (Bodhgaya) ایالت بیهار، هند، سنگ



تصویر ۱۲. جای پای بودا، قرن دوازده میلادی از منطقه وات (wat) کامبودیا، سنگ مزین به لاک سیاه و ورق طلا، بلندی ۱۷۷ سانتیمتر، وسط این جای پا یک چرخ دارما دیده می‌شود و اطراف آن نمادهای گیاهی، حیوانی، انسانی و هندسی حک شده‌اند.

نمادهای شمایی



نمادهای شمایی در هنر بودایی در دوران حکومت کوشان ها^{۲۵} به وجود آمد. در این دوره است که شمایل هایی از بودا یعنی چهره انسانی بودا در هنر نمایان می گردد که برای آن علل مختلفی را قایل شده اند از جمله اینکه سلسله کوشان در زمان حکومت کانیشکا^{۲۶} که پایتختش در پیشاور در حدود ۷۸ میلادی بود به اوج شکوفایی رسید. کانیشکا با بررسی و فروع ادیان مختلف از جمله دین زرتشتی سرانجام به دین بودا درآمد. این باعث انتشار عمده بودیزم در منطقه گردید که در سال ۷۸ میلادی و مقارن با چهارمین مجمع بودائیان نیز بود. این تقارن باعث رشد و گسترش فرهنگ و هنر بودایی گردید. نتیجه این امتزاج فرهنگی - هنری را در ضرب سکه های دوره کانیشکا می توان مشاهده نمود. [ذکرگو، ۱۳۷۸ : ۱۲] (تصویر ۱۳)

تصویر ۱۳. سکه طلای عهد کانیشکا با نقش بودا دوره کوشان، اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم میلادی موزه هنرهای زیبا، بوستون، آمریکا

با توجه به نقش روی سکه که بودا را به صورت ایستاده شبیه تمثال امپراتوران یونانی و رومی حک نموده، و نام او را نیز با حروف یونانی نگاشته اند. می توان شاهد آمیختگی فرهنگ یونان و هند بود.

در پایان سده نخست میلادی در "قندهار" و "ماتورا" بودا به صورت انسانی مجسم می شود. که دو عامل عمده آن یکی تاثیر فرهنگ و هنر یونانی، رومی، ایرانی و دیگری نفوذ و تاثیر هندوئیسم بر دین بودایی می باشد. [گاردنر، ۱۳۷۹ : ۶۸۴-۶۹۰]

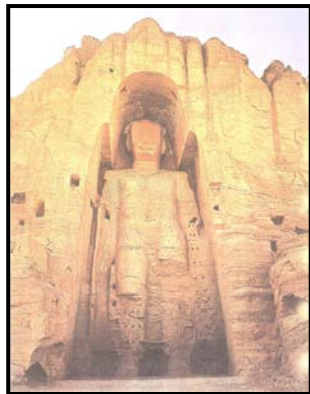
تندیس بودا در حالت ایستاده تاثیری از هنر پیکره سازی یونان و روم دارد. از آنجا که در سنت دینی مشرق زمین بویژه هند پیشوایان مذهبی به حالت مراقبه یعنی نشستن روی پاها به صورت چلیپا ظاهر شده اند. اما در شمایل های اولیه بودا مانند خدایان یونان و روم به صورت ایستاده نمایش داده شده است. چین های لباس او نیز تحت تاثیر هنر یونان و روم می باشد و چهره آرام و نمادین بودا و نمایاندن اندام از زیر لباس تحت تاثیر هنر بومی و هندویی شکل گرفته است. (تصویر ۱۴)



تصویر ۱۴. بودای ایستاده از منطقه ماتورا هند، عهد گوپتا، اواخر قرن ۴ و اوایل قرن ۵ میلادی. ماسه سنگ سرخ بلندی ۲۷ سانتی متر، موزه ملی، دهلی نو، هند

شمایل های بودایی در مناطق مختلف با توجه به امکانات و شرایط محیطی و جغرافیایی از قبیل آداب و سنن بومی، ابزار و مصالح گوناگون باشبوه های متفاوت شکل گرفته اند و در هر ناحیه ویژگیهای خاص خود را دارا می باشند. به طوری که در مناطق غربی و شمالی تندیس هایی غول پیکری از بودا در دل کوه ها و غارها حکاکی و حجاری شده است. همچون تندیس بودای غول پیکر

بامیان^{۲۷} (افغانستان کنونی) که در دل کوه کنده شده است. این مجسمه بودا را به صورت ایستاده با حالتی که تحت تاثیر فرهنگ و هنر یونانی و رومی است بالباسی پر از چین های منظم با چهره ای آرام و معنوی و گوشه های بلند و کشیده نشان می دهد. (تصویر ۱۵)



تصویر ۱۵. بودای غول پیکر، سنگ، بلندی ۸۳ متر، سبک گوپتا، اوایل قرن ۵ میلادی



در برخی شمایل ها بودا با هیكلی تنومند و پهلوانی شبیه خدایان یونانی و رومی با عضلات پر و برجسته به نمایش درآمده است. چنانکه در تصویر ۱۶ مشاهده می شود: بودا در حالت نشسته به صورت چهارزانو، چهره، آرایش مو و گوشه های کشیده همه از عناصر هنر بودایی می باشد. اما حالت دست ها و چشم های باز و خیره و چین لباس که روی دستها نمایان است حاکی از تاثیر هنر یونان و روم می باشد. وجود دو بز یا آهو به صورت قرینه در پایه ی تخت، صفحه ای از گل نیلوفر در پشت سر بودا و شاکتی های قرینه در طرفین آن از دیگر عناصر این نقش برجسته است که تاثیرات هنر هندویی است.

تصویر ۱۶. بودای نشسته ماتورا، سده های ۳ و ۲ میلادی. موزه باستان شناسی کرزون، ماتورا

وجود شاکتی ها^{۲۸} از آیین هندو به آیین بودا نفوذ کرده است. به طوری که از سده های دوم و سوم میلادی به بعد دین و آیین بودا رو به کاستی نهاد. زیرا که به تدریج فرهنگ و سنن هندو در مذهب بودا نفوذ یافته تا بالاخره در سده های ششم و هفتم کاملاً آن را کنار می زند. [جنسن، ۱۳۵۹]

نتایج

در بررسی نقش برجسته ها و مجسمه های بودایی که در قالبهای غیرشمالی، نیمه شمالی و شمالی در هنر بودایی ظاهر شده اند خصوصیات زیر قابل نتیجه گیری است:

۱. جنس، مواد و مصالح این آثار از ماسه سنگ و مفرغ است.
۲. موضوع آنها شامل روایات دینی و آئینی از زندگی بودا همچون تولد و مرگ او، دوران مختلف زندگی گوتاما و تعالیم بودا می باشد.
۳. در این آثار جنبه های نمادین و اسطوره ای غالب است.
۴. این آثار عموماً بدون رنگ و به رنگ طبیعی مصالح می باشد.

۵. استفاده ی درست و به جا از فرورفتگی ها و برجستگی های طبیعی سنگها و صخره ها، برای ایجاد سایه روشن های مختلف جهت نمایش سطوح و احجام شده است.
۶. در این آثار علاوه بر تندیس های عظیم و غول پیکر و نقش برجسته های حجیم و پرابهت از نقش و نگارهای هندسی و گیاهی نیز استفاده شده که بسیار پرکار و ظریف می باشند.
۷. استفاده از فیگورهای انسانی و حیوانی که بیشتر آنها اسطوره ایی و نمادین هستند و بعضاً با اساطیر و نمادهای هندویی مشترک اند در این آثار به چشم می خورد.
۸. استفاده از نقوش گیاهی از جمله نیلوفر آبی، درخت انجیر، انبه و درخت سال و نقوش مختلف هندسی که بیش از همه فرم دایره یا حلقه در میان آنها به چشم می خورد، زمینه این آثار است.
۹. شمایل بودا همواره پوششی بر تن دارد. برخلاف تندیس جین و دیگر خدایان هند باستان که معمولاً برهنه یا نیمه برهنه می باشند.
۱۰. هنر بودایی از هنر ایران، بین النهرین و یونان تأثیراتی پذیرفته که از جمله می توان به فرم موهای موج و فردار در هنر ایران و حالت ایستادن اندام ها، چین و چروک لباسها در هنر یونان و بین النهرین و ستون و سر ستون هایی با نقش شیر در معماری ایران اشاره کرد.

پی نوشت ها :

1. Buddhism
2. Jainism
4. Aniconic
5. Semiconic
6. Iconic

^۲ - نام اصلی او ناتاپوته واردمنه

۷- سفیدپوستان

8. kapilavastu
- 9.(Gautama Buddha)
10. Sakya
11. Bhagavan
12. Sastr.

۱۳. هینیانا hiniyana . بوداییان اولیه که بودا را در قالبهای غیرشمایلی و نیمه شمایلی پرستش می کردند.

۱۴. ماهایانا Mahayana . بوداییان متأخر که پیکر بودا را در معابد پرستش می کردند.

۱۵. "سال" درخت جنگلی بومی هند که چوب گرانبهایی دارد

16. Siva lingam نمادی از باروری
17. gambo
18. Samsara گردونه دوار تولدهای مکرر

۱۹ - نیروانا معروف ترین لفظ خاص آیین بودایی است که نفس ادای آن، رهایی، اشراق و تنویر گوتاما بودا را به یاد می آورد. نیروانا در متون کهن بودایی چون نیکایاها (Nikaya به زبان پالی) و آگاماها (Agamas به زبان چینی) راهی عملی است برای زدودن نگرانی و اضطراب انسان در زندگی و نیل به مشهود و رهایی.

برخی نیروانارا به صفاتی چون شرف، آرامش و لذت نیز آراسته اند ولی واقعیت این است که لفظ نیروانانی فی الذاته نمی تواند دارای چنین صفتی باشد. در نیروانانه رنج است و نه خوشی. نیروانا از لحاظ لغوی به معنای خاموشی است و خاموشی بعدی مثبت یا منفی ندارد. در نیروانا خوشی یا ناخوشی، زیبایی یا زشتی، وجود یا عدم معنی ندارد چرا که نیروانا نه عدم است و نه وجود. وجود و عدم هر دو جنبه هایی است که در رابطه با جهان واقع معنا می دهد و نیروانا ورای این هر دو است. در مقام نیروانا، حقیقت مطلق بر سالک مکشوف و او در می یابد که این جهان و هر چه در آن است هیچگاه نبوده، هیچ وقت نیست و هیچ زمان نخواهد بود و کسی که به این مرتبه صعود می کند از هر بندی رها است. (برگرفته از ذکرگو، ۱۳۷۷)

20. Lotus

21. Laksmi

۲۲- آشوکا (۲۷۲-۲۳۲ ق. م) امپراتور هند نوه چاندار گوپتا موسس سلسله موريا (حدود ۳۲۱-۱۸۴ ق. م) بود. آشوکا را در واقع می توان دومین بانی و مروج دین بودایی دانست. زیرا وی با کمال جرأت به آن فلسفه زاهدانه و متقی جنبه دنیوی و مثبت بخشید و آن را مذهبی عملی قرارداد

۲۳ - Sarnath capital

۲۴- Stupa استوپا عبارت است از یک بنای مدور و مرتفع برج مانند مخروطی شکل که قبه نوکداری در راس آن قرار گرفته و هر یک از این استوپاها را یکی از مومنان به شکرانه انجام عمل خیر یا خدمت مقدسی بنا کرده است و این جزو اعمال صالح و ثواب برای هر فرد است که در طول عمر خود موفق به ساختن حداقل یک استوپا بشود. (برگرفته از ناس، ۱۳۷۰)

۲۵ - (Kushan period) درقرن اول میلادی قبیله صحرائشینی به نام کوشان، که با ترکان و تورانیان از یک ریشه بودند، از آسیای مرکزی برخاستند و از افغانستان عبور کردند و به شمال غربی هندوستان تاختند و جانشین سلاطین محلی شده، تمدن و فرهنگ یونانی و باختری را اقتباس کردند. مرکز حکومت آنان قندهار (گاندهارا) و سبک هنری این دوره نیز "گاندهارا" است.

26. Kanishka

۲۷ این تندیس بودا با تصمیم گیری طالبان منفجر و از میان برداشته شد.

۲۸- الهه های مونت یا نیروی مونت خدا، در نزد پیروان آیین هندو، که در آثار هنری به ویژه نقوش برجسته هند باستان در کنار خدایان قرار داده شده اند.

منابع

- ایونس، ورونیکا. ۱۳۷۳. *تساخت اساطیر هند*. ت: جلان فرخی. چاپ گلشن. تهران
- بی ناس، جان. ۱۳۷۲. *تاریخ جامع ادیان*. ت: علی اصغر حکمت. ویراستار پرویز اتابکی. چ ۵. انتشارات علمی و فرهنگی. تهران.
- جنسن، ه. و. ۱۳۵۹. *تاریخ هنر*. ت: پرویز مرزبان. انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی. (در بخش پایان. گفتار پیوستگی میان خاور و باختر ص ۵۵۱. تهران.
- دورانت، جیمز ویلیام. ۱۳۳۷. *تاریخ تمدن، مشرق زمین گاهواره تمدن*. ت: مهرداد مهرین. محمد حسین اقبال و شرکاء. با همکاری فرانکلین.
- ذکرگو، امیر حسین. ۱۳۷۷. *اسرار اساطیر هند*. انتشارات فکر روز. تهران.
- ذکرگو، امیر حسین. ۱۳۷۸. *تحول شمایل نگاری بودایی در امتداد جاده ابریشم*. هنرنامه. ش ۴. ص دوم. ص ۲۱-۵
- گاردنر، هلن. ۱۳۷۹. *هنر در گذر زمان*. ت: محمد تقی فرامزی به تجدید نظر هورست دلاکروا و ریچارد. ج. تنسی. چ ۴. انتشارات نگاه. تهران
- گامبریج، ارنست. ۱۳۸۰. *تاریخ هنر*. ت: علی رامین. چ ۲. تهران. نشر نی.
- مهین پور، محمد. ۱۳۴۰. *بودا چه می گوید، برهما کیست*.
- 9. panda, Rajaram ((Ajanta and Ellora caves of Ancient India)) : Mihal publica tions,New Deih.
- 10. K. Behi,Beni (Ancient Paintings of Buddhist India)- The Ajanta caves.